

باسمه تعالی

عنوان درس:	درس خارج فقه نظام سیاسی	سال تحصیلی: ۱۳۹۹- ۱۴۰۰	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۷/۱
عنوان فرعی ۱	فقه الصلاة			
عنوان فرعی ۲	جلسه هفتم			
عنوان فرعی ۳	بررسی دلالتی حدیث دوم			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین حیدری			

حد تقصیر :

روایت دوم :

قرار شد روایات حد تقصیر را بیان کنیم و بیان شد که هم حد زمانی در روایات بیان شده است ، هم حد مکانی حال باید دید که حد مکانی اصل است و حد زمانی مشیر به او است یا بالعکس و یا هر دو حد بیان شده است و هر کدام

زودتر حاصل شود تقصیر واجب میشود مثلاً اگر شخصی مسیره یوم رفت ؛ ولی قبل از مسیره یوم هشت فرسخ طی شد نماز قصر خواهد شد یا مسیره یوم رفت ولی قبل از ۸ فرسخ نشده بود ، در اینجا باید نماز را قصر کرد چون احدهما ملاک قصر شده است ؛ حال باید دید کدام یک از این سه مورد درست است .
روایات را بیان کردیم رسیدیم به روایت فضل بن شاذان گفتیم که ظهور دارد در موضوعیت حد مکانی ، و طریقت حد زمانی

روایت دیگر هم که خوانده شد؛ روایت عبدالله بن یحیی الکاهلی بود در آن روایت هم بیان شد ، که دو سند است که سند صدوق صحیح بود ولی سند شیخ چون باسناده عن احمد بن محمد بن عیسی بود راهی برای تصحیح سند ارائه کردیم ، و نظریه تعویض را به مناسبت این سند ذکر کردیم
بیان کردیم علی الاقل طریقه اولی از تعویض در اینجا به کمک تصحیح سند خواهد آمد

دلالت روایت عبدالله بن یحیی الکاهلی :

روایت میفرماید :

وَسَمِعَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى الْكَاهِلِيُّ يَقُولُ فِي التَّقْصِيرِ فِي الصَّلَاةِ بَرِيدٌ فِي بَرِيدٍ^١
 أَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ مِيلًا ثُمَّ قَالَ كَانَ أَبِي ع يَقُولُ إِنَّ التَّقْصِيرَ لَمْ يُوضَعْ^٢ عَلَى الْبُغْلَةِ
 السَّفَوَاءِ وَالدَّابَّةِ النَّاجِيَةِ وَإِنَّمَا وَضِعَ عَلَى سَيْرِ الْقِطَارِ^٣

ظهور روایت در موضوعیت حد مکانی است ، چون ابتدائاً جز حد مکانی را امام
 علیه السلام بیان نکرد (برید فی برید) روشن و صریح حضرت ، حد مکانی را
 بیان کرده است ، اما بیان حد دیگر از لسان این روایت فهم نمیشود

إِنَّ التَّقْصِيرَ لَمْ يُوضَعْ^٤ عَلَى الْبُغْلَةِ السَّفَوَاءِ وَالدَّابَّةِ النَّاجِيَةِ وَإِنَّمَا وَضِعَ عَلَى سَيْرِ
 الْقِطَارِ^٥

این قسمت از عبارت هم ظاهراً پاسخ به سوال مقدری است که ، پس چرا مثلاً
 گفته میشود در مسیره یوم بعد از اینکه حضرت ملاک را داد ؟
 برای پاسخ به این سوال مقدر فرمایش امام باقر علیه السلام بیان میشود ، گویا
 سوال میشود که حال وجوب تقصیر حد مکانی دارد پس چطور بر مسیره یوم در
 بعضی از روایات بیان شده است ، با اینکه مسیره یوم برای افراد متفاوت است
 ، شاید کسی با دابة ناجية حرکت کند و ممکن است که مسافت بیشتری از هشت
 فرسخ را طی کند

^١ (٣). المراد منه بريدان بناء على إرادة المعنى اللغوي من لفظة «في» فانه إذا كان بريد داخل في بريد يصير المجموع بريدین. (سلطان).

^٢ (٤). لما اشتهر أن البریدین مسیره یوم أراد علیه السلام بیان أن ذلك السیر ما هو.

من لا يحضره الفقيه ؛ ج ١ ؛ ص ٤٣٦^٣

^٤ (٤). لما اشتهر أن البریدین مسیره یوم أراد علیه السلام بیان أن ذلك السیر ما هو.

من لا يحضره الفقيه ؛ ج ١ ؛ ص ٤٣٦^٥

پس اگر مسیره یوم ملاک است ، چرا اربعة و عشرون میلا بیان شده است .
پس معلوم است که سائل موضوعیت حد مکانی را فهمیده است ، لذا میفرماید
اگر این حد است پس چرا مسیره یوم در جاهای دیگر آمده است و این دو با هم
در مواردی منطبق نیست .

فلذا لسان روایت ، لسان بیان حد مکانی است و این بیان از موضوعیت حد
مکانی است و این ذیل روایت ظهور ندارد در موضوعیت حد مکانی برای وجوب
تقصیر بلکه بالعکس ظهور دارد که سائل موضوعیت حد مکانی را فهمیده است
و سوال میکند چرا در مواردی دیگر حد زمانی ملاک واقع شده است ، با اینکه
این دو حد در مواردی با هم متحد نیستند ؟

به بیانی دیگر اگر مسیره یوم موضوعیت داشت ، حضرت در جواب باید میفرمود
هم این هم آن ، در حالی که در جواب حضرت میفرماید ؛ انّ التقصیر لم یُوضَع
على البغلة السّفواء

پس حد مکانی موضوعیت دارد و اگر مسیره یوم بیان شده است آن مسیره یومی
که منطبق با حد مکانی باشد ملاک است ، و آن مسیره یومی که منطبق باشد
مسیره یوم سیل قطار است نه دابة ناجية

پس این روایت هم ظهور روشنی دارد در موضوعیت حد مکانی

روایت سوم:

صحيحه زراه و محمد بن مسلم است از امام باقر عليه السلام :

قَالَ: وَ قَدْ سَافَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى ذِي حُشْبٍ - وَ هُوَ مَسِيرُهُ يَوْمَ مِنَ الْمَدِينَةِ يَكُونُ إِلَيْهَا بَرِيدَانِ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرُونَ مِيلًا فَقَصَّرَ وَ أَفْطَرَ فَصَارَتْ سُنَّةً.^٦

بحث سندی :

این روایت را صاحب وسائل طوری بیان میکند آدم فکر میکند مرسله است ، چون میگوید و قال و قد سافر ، انسان فکر میکند که شیخ صدوق گفته است و قال ...

خلاصه سندی که نقل نمیکند ، عبارت هم طوری است که ازش ارسال فهمیده میشود ، درحالی که صاحب وسائل و قال را که آورده است یک بخشی از روایت مفصلی است که مرحوم صدوق در من لا یحضر الفقیه نقل میکند که در آنجا دارد زوی عن زاره و محمد بن مسلم که بدون اسناد است منتها اسناد به محمد بن مسلم و زاره را در مشیخه گفته است که تمام روایاتی که من از این دو بزرگوار نقل میکنم از چه طریقی نقل میکنم ، از محمد بن مسلم اگر نقل میکنم از چه سندی است

سند به زاره قابل بحث نیست ، لکن اشکالاتی در سند متصل به زاره میشود که از نظر ما قابل تصحیح است

علی ای حال سندی که صدوق در مشیخه نقل میکند صحیح است ، لذا این روایت برای ما صحیح است و مرسله نیست

در این طور موارد باید به اصل منبع رجوع کرد^۷

بحث دلالتی :

عبارت این است **وَقَدْ سَافَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى ذِي حُشْبٍ - وَهُوَ مَسِيرَةُ يَوْمٍ مِنَ الْمَدِينَةِ يَكُونُ إِلَيْهَا بَرِيدَانِ أَرْبَعَةً وَ عِشْرُونَ مِيلاً فَقَصَّرَ وَ أَفْطَرَ فَصَارَتْ سُنَّةٌ** خوب این جا ممکن است برای کسی این توهم پیش بیاید که حضرت گفت و هو مسیره یوم من المدینه پس بنابر این ملاک ، حد تقصیر حد زمانی است البته این جا هر دو مورد آمده است ولی ممکن است کسی چنین توهمی را بکند که ملاک از حد در تقصیر در اینجا حد زمانی است به خاطر این عبارت که گذشت و بریدان هم طریق به این حد میباشد ، در حالی که از روایت ممکن است کسی چنین استفاده شود که این دو ، دو حد است در عرض هم چرا که گفت و هو مسیره یوم... و یكون اليها بریدان ...

لکن ما میگوییم که در این روایت هم ما موضوعیت حد مکانی را میفهمیم ، چون اگر حد زمانی موضوعیت داشت ، دیگر ذکر بریدان برای چی بوده است ؟ اگر مسیره یوم موضوعیت دارد عطف بریدان به او بی وجه بود ، مگر اینکه گفته شود کلاهما فی عرض هم حد وجوب تقصیر است که این لا اقل خلاف ظهور

^۷ من لا يحضره الفقيه / ج ۱ / ۴۳۵ / باب الصلاة في السفر ص : ۴۳۴

بقیه روایت است چرا که در همه جا هر دو با هم نیامده است بلکه یکی را ذکر کرده است

در آینده هم خواهیم گفت احدهما طریق الی الآخر است ، بعدا خواهیم گفت که حدی که لا یختلف فیه است ، باید ملاک وجوب قصر باشد ؛ مسیره یوم یختلف فیه است ، چون یوم کوتاه داریم یوم بلند داریم وسیر سریع و بطئی داریم این حد ؛ یک حد مشخص و مقطوع نیست

لذا آن مورد که به ذاته حدّیت ندارد باید مشیر به چیزی باشد که بذاته مشیر به حدّیت دارد این را بعدا بررسی میکنیم

حالا ما در همین روایت ، هم موضوعیت را میتوانیم برداشت کنیم چون ذکر وهو مسیره یوم یكون اليها اربعة وعشرون ميلا بعد از مسیره یوم میتواند اشعار داشته باشد این مسیره یوم طریق به اربعة وعشرون ميلا است

نکته دیگر که باز اشعار به طریقت مسیره یوم برای بریدان دارد این است که در یكون اليها بریدان... ذکر یكون اليها صریح در حدّیت است در حالی که وهو مسیره یوم من المدینه صریح در حد نیست ، شاید مراد این باشد که رسول اکرم سار یومه تا وصل الی ذی خشب که مسیر یوم است

این یكون اليها صریح در حدّیت است بخلاف عبارت مسیره یوم ، به هر حال ما از این روایت موضوعیت مسیره یوم را نمیفهمیم ، یا طریقت را میفهمیم یا اینکه

اگر طریقت ندارد، احدهما به عنوان حد معین شده است؛ باید در این جا به کمک روایات دیگر موضوعیت یا طریقت را مشخص کنیم
ما با دو مقدمه از سیاق این روایت استفاده موضوعیت حد مکانی را میکنیم:

مقدمه اول:

مسلم احدهما حد است نه کلاهما ولو علی نحو تردید

مقدمه دوم:

حالا که احدهما حد است یا باید؛ مسیره یوم حد باشد یا اربعة وعشرون میلا، اگر مسیره یوم حد باشد، ذکر اربعة وعشرون میلا وجهی نداشت
ذکر اربعة وعشرون میلا ظهور ایجاد میکند که او حد موضوعی است او حد اصلی است لذا حضرت لم یکتفی بذكر مسیره یوم بل ذکر اربعة وعشرون میلا و اگر مسیره یوم موضوعیت داشت کان یکتفی بمسیره یوم

روایت چهارم:

روایتی است که مجددا صدوق نقل میکند: ما رواه الصدوق باسناده عن الفضل بن شاذان عن الرضا فی کتابه الی المامون:

١١١٤٤ - ٦ - وَ فِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ (بِإِسْنَادِ تَأْتِي) عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرَّضَا
ع فِي كِتَابِهِ إِلَى الْمَأْمُونِ وَ التَّقْصِيرُ فِي ثَمَانِيَةِ فَرَاسِخٍ وَ مَا زَادَ وَ إِذَا قَصَّرْتَ أَفْطَرْتَ.^٨

بحث دلالتی :

سند همان سند است و این کتاب غیر از کتاب قبلی است ؛ در اینجا فقط حد
ثمانیه فراسخ ذکر شده است که ظهور در حدّیت مکانی دارد و بحث چندانی
ندارد

سند روایت

سندی است که سابقاً بیان کردیم ، سند صدوق به فضل بن شاذان از دو
شخص بزرگوار عبور میکند یکی ابن عبدوس و دیگری ابن قتیبه بود ، که در
مباحث قبلی هر دو را تصحیح کردیم ، پس نهایتاً سنداً و دلالتاً اشکالی به این
روایت نیست و روایت حد مکانی را برای ما بیان میکند

روایت پنجم:

ما رواه الشيخ باسناده عن :

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُسَافِرِ فِي كَمْ يُقْصَرُ الصَّلَاةُ فَقَالَ فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ وَ ذَلِكَ بَرِيدَانِ وَ هُمَا

وسائل الشيعة / ج ٨ / ٤٥٣ / ١ - باب وجوب القصر في بريدين ثمانية فراسخ فصاعداً أو مسيرة يوم معتدل السير ص : ٤٥١^٨

ثَمَانِيَةُ فَرَسِيخَ وَ مَنْ سَافَرَ قَصَرَ الصَّلَاةَ وَ أَفْطَرَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ رَجُلًا مُشِيْعًا^٩ أَوْ خَرَجَ
إِلَى صَيْدٍ أَوْ إِلَى قَرْيَةٍ لَهُ يَكُونُ مَسِيرَةَ يَوْمٍ بَيْتُ إِلَى أَهْلِهِ لَا يُقَصِّرُ وَ لَا يُفْطِرُ.^{١٠}

^٩ (١) في الاستبصار (مشيعة لسلطان جائز) و هو الانسب و كأنه ستطعن قلم المصنّف (ره) أو من النسّاخ.

^{١٠} وسائل الشيعة / ج ٨ / ٤٥٣ / ١ - باب وجوب القصر في بريدين ثمانية فراسخ فصاعداً أو مسيرة يوم معتدل السير